



فیلمسازان بزرگ چه فیلم‌هایی را دوست دارند هنرمندان هم می‌توانند عاشق شوند...

پولاد امین همیشه در نوشته‌ها و حتی شنیده‌ها درباره نویسندگان و البته کارگردانان بزرگ دنیا افسانه‌سازی شده‌است. رسانه‌ها و نشریات در بیشتر موارد دو موقع تصویرسازی از این بزرگان ترسیم کرده‌اند که کمتر نزدیکی با واقعیت در آنها می‌توان یافت. جان فورد در البته به کمک خاطرات اغراق شده‌ای که نزدیکانش بعدها تعریف کرده‌اند، جوری به نسل‌های بعد شناسانده‌اند که انگار او خودنیز وسترن‌تری افسانه‌ای بوده‌است یا اورسون ولز را هیچ‌کاک را. کوپر یک را. بیلی وایلدر را و خیلی‌ها را. این در حالی است که این بزرگان نیز در زندگی روزمره‌شان علایق و سلاطینی گاه‌مشابه با خیلی از افراد دیگر داشته‌اند. این علایق و سلاطین مشترک را در فیلم‌ها و کتاب‌های محبوب این بزرگان می‌توان دید. فیلم‌ها و کتاب‌هایی که گاه‌اصلا ربطی به دنیای آثار خلق شده توسط بزرگان ندارند؛ و گاه حتی کارهای بد و مبتدلی هم به‌شمار می‌آیند. مطلبی که در پی می‌آید ترجمه و خلاصه‌ای است از یک اثر پژوهشی گسترده که علایق سینمایی فیلمسازان شناخته‌شده و نسبت آن با دنیای خلاقه آنها را مورد بررسی قرار داده‌است. برای سینمادوستان شاید دانستن این که فلان فیلمساز بزرگ چه فیلمی را می‌پسندد یا می‌پسندید، جالب باشد...

وس اندرسون؛ زمزمه قلب

وس اندرسون، فیلمساز محبوب عده‌ای است که تفاوت را به هر نحو که باشد می‌پرستند. این کارگردان دوست‌داشتنی در انتخاب فیلم‌های محبوبش نیز به نظر می‌رسد قاعده ایجاد تفاوت را مدنظر قرار داده و از اصولی که در فیلمسازی دارد، در این بازی زور نالیستی نیز دست‌بر نداشته‌است.



او در حاشیه انتخاب فیلم‌های محبوب عمرش گفته: من عاشق فیلم‌های فرانسوی هستم و در همه این سال‌ها نسبت به آنها تعصب و وحشتناکی داشته‌ام. تعداد زیادی از محبوب‌ترین کارگردان‌های زندگی‌ام فرانسوی هستند و در بین آنها فرانسوا تروفو، ژان رنوار و لویی مال جایگاه ویژه‌ای دارند. زمزمه قلب فیلم محبوب وس اندرسون است. فیلمی از لویی مال، دربارۀ رابطه یک مادر و پسر که در سال ۱۹۵۴ روایت می‌شود. وس اندرسون چنان عاشق مال و فیلمش بوده که چند سال بعد از این که لویی مال از دنیا رفت، زمانی که دی‌وی‌دی راشمور، نخستین فیلم وس اندرسون به‌بازار آمد و استودیو خواست تا به خاطر این اتفاق جشنی را در نیویورک بر گزار کند، مدیران استودیو خواست به جای نمایش فیلم خودش راشمور، در این جشن زمزمه قلب را نمایش دهند.

جیمز آیوری؛ بر باد رفته

جیمز آیوری فیلمساز شناخته‌شده‌ای است که مجموعه‌ای متشکل از فیلم‌های بزرگ با پس‌زمینه داستانی را در کارنامه‌اش دارد. فیلم‌هایی چون اتاکی با یک چشم‌انداز، بوستونیا، جام‌زین و انتهای هوار دز که همگی در این نکته که اقتباس‌هایی از رزمند از ادبیات داستانی هستند، وجوه آشکار مشترکی دارند. چنین فیلمسازی با چنین پیشینه و سلیقه‌ای قاعدتا باید فیلم محبوبش نیز فیلمی در همین مایه‌ها باشد و خوشبختانه در مورد جیمز آیوری انتظاری که وجود دارد با واقعیت ناهمخوان نیست. بله، بر باد رفته محبوب‌ترین فیلم زندگی جیمز آیوری است. فیلمی که با درین این فیلم زندگی‌ام زبر و روشد، صحنه‌هایی که ادبی ساخته شده‌اند، جایگاه رفیع و یگانه‌ای دارد. جیمز آیوری درباره بر باد رفته گفته: بازده ساله بودم که برای نخستین بار به تماشا می‌رفتم. یاد می‌آید که با دیدن این فیلم زندگی‌ام زبر و روشد، صحنه‌هایی که در آن آتلانتا محاصره و به سرزمینی چندپاره و تکه‌تکه تبدیل می‌شود، شدیداً تحت تأثیر قرار دادم. یک دلیلش این بود که مادرم از اهالی لوئیزیانا، یک ایالت به معنای واقعی کلمه جنوبی است و دلیل دیگر آن که در بر باد رفته این منطقه در فیلم همچون کانون خطر و بحران به تصویر کشیده شده بود.



مارتین اسکورسیزی؛ کفش‌های قرمز

اسکورسیزی شیفته سینماست. شیفته دیوانه‌های که تقریباً همه نوع فیلمی را می‌بیند و انواع خوشان را نیز دوست دارد. اطلاعات سینمایی مارتین اسکورسیزی آن قدر گسترده و عمیق است که به شوخی می‌گویند اگر آخرالزمان رخ داد و کامپیوترها حافظه‌شان پاک شد و بعد هم کتاب‌سوزی گسترده‌ای از نوع آن چه در قرنهای ۹۱۱ فرانسوا تروفو دیده‌ام پیش آمد، در میان تمام افراد دنیا تنها مارتین اسکورسیزی است که می‌تواند نقش یک مرجع زنده سینمایی را بازی کند. با چنین اطلاعات و دانشی وقتی مارتین بزرگ عقایدش را درباره بهترین فیلم‌های تاریخ سینما بیان می‌کند، احتمالاً بهترین کار این است که به او گوش دهیم. اسکورسیزی تاکنون چندین و چند فهرست از فیلم‌های محبوب و مهم تاریخ سینما را داده‌است. در کنار فهرستی که او متشکل از ۸۵ فیلم در سال ۲۰۱۲ را به یاد که به قول خودش همه آنها را باید ببینند تا چیزی از سینما یاداند، در دو نظرسنجی مهم، این کارگردان افسانه‌ای فیلم‌های کفش‌های قرمز (۱۹۴۸)، مایکل پاول و امریک پرسبرگر و سرگیه هیچکاک را به عنوان فیلم‌های محبوبش ذکر کرده‌است.

آلفرد هیچکاک؛ اسموکی و راهزن

هیچکاک در رسانه‌ها و نشریات همواره به عنوان طرفدار مورناو، فریتز لانگ و بیلی وایلدر شناخته می‌شد و به نظر می‌رسد این تصویر بود که او می‌خواست از خود و علایقش ایجاد کند. اما وقتی بعد از برگزاری بزرگداشت آلفرد هیچکاک در سال ۲۰۰۲ و نمایش فیلم همیشه تأثیرگذار روانی دختر استاد پاتریشیا عنوان کرد که شایعه علایق استاد بد اخلاق سینما به فیلم اسموکی و راهزن صحت دارد؛ به نظر می‌رسد این علایق می‌تواند آن سیمای هیولآوری را که از آلفرد هیچکاک به‌خصوص در پشت صحنه ساخت فیلم‌هایش شکل گرفته است، تعدیل کند. آخر چگونه ممکن بود هیچکاک با آن فن‌سلاری استادانه فیلمی ابتدایی چون اسموکی و راهزن را دوست داشته باشد و تحت تأثیرش قرار گیرد؛ فیلمی به کارگردانی هال ندمم و بازی برت رینولدز که پسر از صحنه‌های تعقیب و گریز ابتدایی سینمای تجاری وقت است؟ اما وقتی در ادامه یکی دیگر از نزدیکانش فاش کرد که هیچکاک بارها درام کودکانه پنجگی (۱۹۷۴- جو کمپ) را تماشا کرده و با آن گریسته؛ معلوم شد این قصه سر دراز دارد و گویا می‌توان در علایق او ریشه‌هایی از سینمای تجاری را نیز پیدا کرد. حداقل از این نظر به نظر می‌رسد تصویر دیکتاتور ماب هیچکاک در سینما در زندگی شخصی او چندان نمودی نداشته‌است.



ترنس مالیک؛ زولندر

این هم از آن انتخاب‌هایی است که به هیچ وجه نمی‌شود هضمش کرد. آخر ترنس مالیک و نگاه و نگرش هستی‌شناختی‌اش در درخت زندگی و خط باریک قرمز و حتی به سوی شگفتی کجا و زولندر کجا که حتی شاید فیلم محبوب بن استیوار هم نباشد چه رسد به ترنس مالیک. اما ظاهراً این قضیه نیز واقعیت دارد و یکی از فیلم‌های مورد علایق ترنس مالیک زولندر (۲۰۰۱- بن استیوار) است. حتی گفته شده مالیک آن قدر به این فیلم علایق دارد که هر چند وقت یکبار به تماشای آن می‌نشیند، تا یادگ‌هایش را حفظ است و برای دوستانش نقل می‌کند و حتی در جشنواره‌هایی که داور است برنامه را جوری تنظیم می‌کند که حتماً زولندر در یکی از بخش‌هایش به نمایش درآید.

برناردو بر تولوچی؛ قاعده بازی

برناردو بر تولوچی از اساتید تمام تاریخ سینماست و بنابراین بیره نیست انتخابش به‌عنوان فیلم محبوب زندگی نیز یکی از کلاسیک‌های امتحان پس داده تاریخ سینما باشد. بله، بر تولوچی عاشق قاعده بازی ژان رنوار است. برناردو بر تولوچی درباره قاعده بازی می‌گوید: پدرم مدار درباره قاعده بازی حرف می‌زد. قاعده بازی یکی از محبوب‌ترین فیلم‌های زندگی‌اش بود. بالاخره وقتی ۲۱ یا ۲۲ ساله بودم، توانستم نسخه یک ساعت و ۱۵ دقیقه‌ای فیلم را ببینم که خیلی پاره‌پاره و درب و داغان بود. سال‌ها با خودم فکر می‌کردم چرا فیلمی که همه آن را شاهکاری مسلم می‌دانند این گونه پاره‌پاره شده و این بلای وحشتناک به‌سرش آمده؟ به نظرم قاعده بازی بیشتر به یک معجزه شبیه است. معجزه توأمان فرهنگ قرن نوزده و بیست، ترکیب غریب و حضور ناپیدای اگوست رنوار و ژان رنوار در لحظه‌لحظه این فیلم حس می‌شود. قاعده بازی نمره عاشقانه درونیات این دونفر است.

استنلی کوپر؛ یک سفید پوست هانمی تواند بپزند

سخت است باور این که آدمی به سختگیری، کمال‌گرایی، شکوه‌پرستی و البته جایگاه اسطوره‌ای استنلی کوپر یک فیلم مورد علایقش کم‌دی معمولی و گاه مبتذل سفیدپوست‌ها نمی‌تواند بپزند؛ اما وقتی این مسئله صحت دارد دیگر چه می‌توان گفت؟ بیشتر فیلمسازان معمولاً علایق و دانق‌های سینمایی‌شان را بر ملا نمی‌کنند؛ اما کوپر این کار کرده و نخستین و تنها لیست فیلم‌های محبوبش را در سال ۶۳ نوشته است و نام این فیلم هم در صدر قرار دارد. اگر بگویید که زمان این نظرسنجی به گذشته‌های دور بازمی‌گردد، باید این را نیز بگوییم که در سال ۱۹۹۹ دخترش کاترینا فیلم‌هایی را که می‌دانست پدرش تحسین می‌کند، معرفی کرد. در میان اسمی آشکاری چون همشهری کین، متروپولیس و پتر خوانده سفیدپوست‌ها نمی‌تواند بپزند (۱۹۹۲)، ران‌شلتن نیز حضور داشت.

مایکل مان؛ آواتار

مایکل مان نیز از آنهاست که انتخابش به‌عنوان محبوب‌ترین فیلم زندگی را تباط چندانی با کارنامه‌اش ندارد. کارگردان هیت یا مخصمه که در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد تا حدود زیادی مهارتش را به‌عنوان فیلمساز درجه یک از دست داده است؛ اگر چه از سال ۲۰۰۱ و پس از علی آهسته و پیوسته در مسیر فیلمسازی‌اش با شکست و حرمان مواجه شده، اما هنوز همچنان اعتباری دارد که یکی از نخستین گزیننده‌های چنین نظرسنجی‌هایی باشد. مجله معتبر سایت‌اندساز نیز به همین دلیل بود که در شماره ویژه سال ۲۰۱۲ از مایکل مان لیست ۱۰ فیلم برتر عمرش را جویا شد. در کنار فیلم‌هایی چون گاو خشمگین و همشهری کین این نکته که مایکل مان آواتار را جزو فیلم‌های محبوبش عنوان کند، مورد انتظار خیلی‌ها نبود. مان درباره انتخاب این فیلم گفته بود: آواتار تفریح در خشنای از استعاره‌های اسطوره‌ای است که تماشاگر را تا جوی خود بالا می‌برد؛ به این دلیل ساده که قدرت متحیر کردن مخاطب را دارد.

وادیم پرلمان؛ دزدان دوچرخه

وادیم پرلمان که چند سال پیش با ساختن خانم‌های از شن و مه بدل به چهره‌ای شناخته‌شده برای ایرانی‌ها شد، دزدان دوچرخه و پتروپولیس را به‌عنوان فیلم محبوب تمام عمرش معرفی کرده‌است. این سینماگر او کرارتی در باره آن گفته: من خیلی صریح می‌گویم که دزدان دوچرخه به کارگردانی ویتور یادسیکا، شاهکار دوران نئورئالیسم سینمای ایتالیا فیلم محبوب من است. به خوبی یاد می‌آید که روزی که قصد ترک تحصیل در دانشگاه را داشتم، خیلی اتفاقی جایی این فیلم را تماشا کردم و با احساسات و دغدغه‌های آدم‌های توی فیلم شریک شدم. من آنها را حس می‌کردم و می‌فهمیدم. تجربه تماشای این فیلم برای من مثل تجربه خواندن رمان خانم‌های از شن و مه بود. این کتاب به مانند فیلم دسیکا درباره دو کف و هم‌انسانیت و مشکلاتی است که شخصیت‌های قصه با آن دست‌به‌گریبند و این که چه طور آرزو‌ها و رویاهای تازدی قلب جریانی منتهی می‌شوند.



لارس فون تریه؛ داستان وست ساید

لارس فون تریه افسرده. لارس فون تریه بدبین، خشن، بوچ‌گرا و داغان یک موزیکال کلاسیک را بیش از دیگر فیلم‌ها دوست دارد. عجیب است، نه؟ کارگردانی که افسردگی، نابودی، خشونت و... را در تمام کارنامه‌اش به تصویر کشیده، فیلم محبوبش داستان وست ساید است. به قول منتقدی باوجود حس ملامتال حزن و اندوه در فیلم‌های فون تریه تصور این که این آدم عاشق موزیکال کلاسیکی مثل داستان وست ساید باشد بسیار سخت است. البته این فیلمساز بحث‌انگیز دانمارکی گفته که آواز در باران دیگر فیلم محبوب او است که از قصای این هم موزیکال است!



جورج ای. رومرو؛ داستان‌های هافمن

درباره جورج ای. رومرو مهم‌ترین نکته این است که هیچ‌کس نتوانسته به اندازه او بر ژانر ترسناک و خصوصاً زیرژانر زامبی‌ها تأثیر بگذارد. رومرو با سه‌گانه مرده، تنها این زیرژانر را بازتعریف کرد بلکه تأثیر شگرفی بر کل ژانر وحشت گذاشت، بنابراین شاید تعجب آور باشد که بدانیم یکی از فیلم‌های محبوب رومرو برداشت مایکل پاول و اریک پرسبرگر از اپرای افنباخ باشد؛ بله، داستان هافمن از رومرو چنان طرفدار پروپاقرص فیلم است که گفته این فیلم برای او الهام‌بخش بوده‌است.

هکتور بانکو؛ ۲۱ گرم

کارگردان آرژانتینی کار کشته‌ای که سال گذشته در هفتاد سالگی در گذشت فیلم ۲۱ گرم اینا را به‌عنوان فیلم محبوب زندگی‌اش ذکر کرده بود. این سینماگر که ساخت فیلم‌هایی چون بوسه زن عنکبوتی، آبرن وید و دوست هندوی من جلوه خوبی به کارنامه‌اش بخشیده، فیلم ۲۱ گرم را به دلایلی کاملاً قابل توجیه به‌عنوان بهترین فیلم زندگی‌اش انتخاب کرده‌است. او می‌گوید: ۲۱ گرم ترکیبی از سه داستان فوق‌العاده است که به شکلی سه‌پهلو کننده در هم تنیده شده‌اند. من واقعا به طرز دیوانه‌واری عاشق تک‌تک اجزای این فیلم هستم. موضوع و درونمایه آن، ساختار دراماتیکش و شیوه‌های به کار گرفته شده در تدوین و فیلمبرداری ۲۱ گرم، مرا شگفت‌زد می‌کند.

کوئنتین تارانتینو؛ روانی ۲

کوئنتین تارانتینو را دیوانه‌بازی‌هایش می‌شناسند. این هوادار دیوانه سینما در انتخاب فیلم محبوبش نیز انگار دلش نخواست از این بازی دست بردارد و فیلمی را به‌عنوان فیلم محبوب زندگی‌اش انتخاب کرده که تقریباً همه‌گان در پی بودن آن اجماع نظر دارند. تارانتینو که ذائقه سینمایی بسیار متنوعی دارد در بحث درباره لیست فیلم‌های محبوب کاملاً موجودی پیش‌بینی‌ناپذیر است. شاید عجیب و غریب‌ترین عشق سینمایی تارانتینو روانی ۲ باشد؛ فیلمی که به نظر تارانتینو نسبت به نسخه اورژینال هیچکاک برتری دارد و حتی یک‌بار آن را برای افتتاحیه یکی از جشنواره‌هایی که داورش بود انتخاب کرد. تارانتینو عنوان کرده که حتی نسخه بازسازی شده روانی ساخته گاس ون سنت را نیز به نسخه هیچکاک ترجیح می‌دهد.

